



گزارش «وطن امروز» از زمینه و زمانه مقاومت

# روایت سازنده مقاومت

چگونه زندگی در منطقه با مقاومت تعریف می‌شود؟

**سعید تونگلار** نظام سلطه همواره تلاش کرده صحنه حوادث منطقه جنوب غرب آسیا را از دیدگاه خود و به نفع خود روایت کند. شاید این برگردان همان گزاره مشهور باشد که تاریخ را حاکمان می‌نویسند. اما روایت معتبر از صحنه کدام است؟!

## دشمن چگونه در تنگنای زمینه و زمانه مقاومت قرار دارد؟

ابزار تحریم از سویی و رصد و سنسجش داده‌های خصوصی مردم از سوی دیگر و متوسل شدن به تحلیل کلان‌داده‌ها و سلطه بر هوش مصنوعی به عنوان سلطان دوران پس از این و جنگ‌شناختی همه‌جانبه با مردمان جهان هستند. البته پس از اثبات ناکارآمدی تمام این تمهیدات، لشکر رعب را فراهم می‌کنند و از هیچ تخریبی فروگذار نیستند تا امکان مقاومت را در هر جای جهان از بین ببرند اما هر بار مانند آواری که بر سر درختی فرو می‌بارد، ریشه‌های مقاومت عمیق‌تر می‌شود و در گستره‌ای وسیع‌تر و با توانی بالاتر و طرحی حساب‌شده‌تر به میدان بازمی‌گردد و طراوت و سرسبزی رهایی را به جامعه بازمی‌گرداند.

ساختارهای سلطه سعی می‌کنند در لایه‌های پنهان‌تر امکان مدیریت جهان را حفظ کنند. این در حالی است که دوران گذار به سرعت سپری می‌شود و مردم پس از استقرار در وضع جدید و محاسبه نسبت خود با واقعیت، امکان برتری غربی را سلب خواهند کرد و استعمار شیطانی فرانو را نخواهند پذیرفت. دسترسی عمومی به رسانه‌ها، پدیده انسان‌رسانه‌ها را جدی‌تر کرده و روند حوادث می‌رود تا انسان‌حکومت‌ها را معرفی کند و ارتقا بخشد. در حالی که تکنولوژی غرب رقابت بین انسان و ربات را دنبال می‌کند و مردم را بین ۲ جهان واقعی و مجازی به چالش حیات و بقا می‌خواند، انسان‌ها سؤال‌هایی جدی درباره آینده خود مطرح می‌کنند: آیا بنایست زمین را به اشیای هوشمند واگذار کنند و خود کنار بروند؟

لذا زمانه نیز، زمانه مقاومت است و چنین نیست که شگفتانه‌های جهان مدرن، جذابیت‌های گذشته را برای مردم جهان داشته باشد و آنان را دچار سحر و افسون تام و تمام کند. مردم این زمانه می‌خواهند از ابزار استفاده و آن را استخدام کنند، نه اینکه به استخدام ابزار در آیند و با ماشین رقابت کنند و ارزش‌گذاری شوند. این مساله منحصر در منطقه نیست، بلکه در تمام جهان رسوایی تمدن غرب و ضد انسانی بودن آن بویژه پس از آنچه در غزه و لبنان در این یک سال و چند ماه اتفاق افتاد، گره ذهنی بسیاری از مردم جهان است. تضادهای درونی و عدم خوانایی ادعاها و اقدامات غربی‌ها در قبال تعهدات‌شان نسبت به تکریم انسان و احترام به شرافت انسانی، تردید و ترس از نظام سلطه را بیشتر و بیشتر کرده است. این علاوه بر شواهد عینی فراوانی است که نشان می‌دهد نظام سلطه حتی در موطن خود موفق به اجرای اهداف و آرمان‌هایش نبوده و مردمان زیادی ذیل حکومت مستقیم آنان در رنج و فقر و بیماری و ناامنی و نارضایتی به سر می‌برند. اقول قدرت غرب و عبور از جهان تک‌قطبی و ظهور جهان چندقطبی از آثار زمانه مقاومت است.

دشمن منطقه تنها در تنگنای زمین و زمان نیست، بلکه مساله عمیق‌تر در این باره زمینه و زمانه مقاومت است. منطقه ما، سرزمینی تاریخ‌مدن است؛ سرزمینی زنده که بزرگ‌ترین و عمیق‌ترین اتفاقات تاریخ در آن واقع شده. تاریخ در این سرزمین نبض گرفته و نفس می‌کشد. موج زندگی و خون حیات از اینجاست که در عالم منتشر می‌شود. بیهوده نیست استعمار صدها سال است گلولی منطقه را می‌فشارد اما نمی‌تواند بر آن غالب شود.

تاریخ منطقه، تاریخ مقاومت است و این سابقه‌های طولانی دارد. مقاومت در این منطقه کالایی وارداتی یا سیاسی نیست، بلکه مقاومت بخشی از وضعیت منطقه و تعریف زندگی در آن است، چرا که در تمام طول تاریخ مورد طمع دیگران و هجوم رقیبان بوده است. بنابراین زمینه مقاومت، اجازه استقرار سلطه و استبداد را نمی‌دهد و دشمن چاره‌ای جز استکبار و ستمگری در منطقه ما ندارد. صدور زبانه‌های تمدنی غرب به منطقه و سرمایه‌گذاری روی گسترش جهل و جهالت و سستی و غفلت بیهوده نیست. آنها برای غفونی کردن زیست منطقه و خنثی کردن زمینه مقاومت و از بین بردن منطق جاری آن، از هیچ جنایتی فروگذار نیستند.

از همین جا است که عناصر غریزه و واداده دامن‌ساله‌های غرب را در منطقه طرح می‌کنند و سعی دارند به عنوان عضو نفوذی و گماشته میدانی، مشکل غرب در جوامع منطقه را از آن و آسان و بدون رد پای غرب به مساله‌های بومی ترجمه کرده و با هزینه سرمایه‌های ذاتی منطقه آن را حل کنند؛ کسانی که خود را مردم منطقه می‌نامند و می‌دانند اما باورهای‌شان غربی و بر اساس منطق سلطه است. این همان جریان نفاق است که خود را به‌روزرسانی کرده و علیه باورهای چهارگانه بومی منطقه اقدام می‌کند.

مفهوم سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و امنیتی نفاق، گسترده‌تر از مفهوم شرعی آن است. هر کس در منطقه جنوب غرب آسیا زندگی کند اما به خدا و مردم و راه و هدف مقاومت ایمان نداشته باشد، خواسته یا ناخواسته در شمار منافقان است، حتی اگر تپنیرد و انکار کند.

محدودیت دیگر جریان سلطه، زمانه است. اساسا زمانه سلطه در جهان به پایان آمده و عصر جدید که بخش مهمی از آن بر اساس پیشرفت‌های غرب در علم و فناوری شکل گرفته، تاب سلطه‌گری بیش از این را ندارد. هر چند جریان سلطه سعی می‌کند با خلاقیت‌های روزآمد و فناوری‌های به‌روزرسانی شده مردم را در فضای سلطه‌پذیری، محدود و مسدود کند اما انفجار اطلاعات و توسعه آگاهی‌ها و عمومی شدن دسترسی‌ها، نظام سلطه را با مشکل مهارناپذیری بستر علم و دانایی مواجه کرده است. لذا ناچار از استفاده مفرط و بیش از اندازه

## روایتگری چیست و چه نقشی در انتخاب درست مردم دارد؟

انتخاب بیشتر، درست‌تر و هماهنگ‌تر می‌دهد و آگاهی غلط، آنان را دچار انزوا و بی‌عملی یا حتی رفتار پرخطر و مخرب خواهد کرد. تحریم آگاهی به واسطه روایت‌سازی‌های جانبدارانه و غیرمنصفانه و بعضا مغرضانه و معاندانه، دستگاه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را دچار اختلال می‌کند و حتی می‌تواند تصمیم‌های مورد نظر دیگری‌های ما را در روند انتخاب و اختیار خودمانی ما قرار دهد. در نتیجه نیازمند تلاش جدی و جامع برای تبیین و ترسیم و فهم درست و دقیق واقعیت هستیم. آنگاه می‌توانیم نسبت واقعی عناصر و اجزای صحنه را با یکدیگر و با کل صحنه بسنجیم و وزن مناسب هر بخش از واقعیت را در تصمیم نهایی کشف و لحاظ کنیم.

تحلیل‌های بیرونی غالباً گر صحنه را نه به نفع حقیقت که بر اساس خواست بازیگران خارجی توصیف می‌کنند تا مشکل و مانع آنان برای غلبه برطرف شود. لذا نباید انتظار داشت تحلیلگران غربی بر اساس باورهای ما تحلیلی ارائه دهند، زیرا بنا دارند صورت‌بندی خود از مساله را داشته باشند و منطق خود را بر متغیرها تحمیل کنند و برای هر یک از عناصر موجود نقش مورد نظر خود را تعیین کنند تا واقعیت‌نا سازگار، خنثی و حذف شوند و مساله به نفع آنان حل شود.

## فهم واقعیت مقاومت چگونه ممکن است؟

لذا مقاومت باورمند و امیدزاست. می‌توان ۴ باور اساسی را در منطقه مقاومت شناسایی کرد و درباره‌شان سخن گفت؛ باور به خداوند متعال و نظام تدبیر و تقدیر او برای اداره عالم، باور به حق بودن راه آزادی و استقلال منطقه از قید نظام سلطه و تجاوز بیگانه و استعمار چند صد ساله، باور به هدف که رشد و بلوغ منطقه و توان اداره منطقه به دست مردمان آن است و داشتن سهم عادلانه از معادلات قدرت در جهان و در نهایت، باور به مردم منطقه که مردمی شایسته و توانمند برای ساختن و برآوردن منطقه هستند و لازم نیست دیگران بر آنان صاحب انتخاب یا بر آنان چیره باشند.

## باور توحیدی چگونه راهگشای مقاومت خواهد شد؟

در این مرحله تنها شرط، ایمان صادق و سازگار و عمل صالح و سازنده و استقامت و صبر فعال در آن است تا ما نیز بخشی از سپاه خدا و مشمول یاری او قرار بگیریم و پشتیبانی‌های لازم از ما انجام شود. ایمان به خدا نیمه پنهان و نامرئی میدان را نیز برای ما توضیح می‌دهد؛ قدرتی فلق و مدیر و مدبر وجود دارد که مؤثر در تمام اتفاقات است. طبیعتا غیرمؤمن، یعنی منافق و کافر نمی‌توانند این بیش را تأیید کنند و بر اساس آن تحلیلی ارائه دهند، بلکه آنان به تمسخر و تحقیر مؤمنان خواهند پرداخت و آنچه را که بر اساس ایمان به غیب وارد در تحلیل مؤمنان می‌شود، خرافه و گزافه خواهند دانست. این همان چیزی است که این روزها به صورت پر حجم علیه بیانات مهم مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی پیرامون مقاومت، در دستور کار رسانه‌های جریان نفاق و نظام سلطه قرار گرفته است؛ نمایی تکراری که همواره در طول انقلاب، در پس راهنمایی‌ها و روشنگری‌های ولی‌فقیه شاهد اجرای آن هستیم.

## نظام سلطه چگونه در گسترده‌ی زمین و زمان مقاومت گرفتار آمده است؟

نشود، همیشه به عنوان نیروی دشمن و مخرب و ضد، شناخته خواهی شد. راه‌هایی هم که می‌یابی تمام بر اساس ویران‌سازی منطقه است. نه بازسازی آن. ناچار با سلاح رعب مردم را عقب برانی، در حالی که منطقه ما زنده است و عامل بیگانه را به طور طبیعی و ارگانیک محاصره می‌کند و از خود می‌راند، مگر اینکه رویکرد دوستانه و احترام‌آمیز و همساز و همراه داشته باشد.

هر گاه منطقه تن به تخریب خود نداده و در برابر فساد و نابودی مقاومت نشان می‌دهد، با مشکل تهدید و تحریم و تخریب مواجه شده است. این انتظار بیجایی از سوی غرب است که بدون ملاحظه نیازهای منطقه، جوهر وجودی و سرمایه‌های ارزشمند و منابع و منافع انباشته منطقه را رایگان یا ارزان و آسان به یغما ببرد و مخالفت و مزاحمتی بر سر راه او قرار نگیرد. پس دامن دست به ترور و جنایت و تجاوز و وحشی‌گری می‌زند و پیوندهای خود را با عناصر غیر اهلئ باسازگار و درنده منطقه محکم می‌کند. این رویکرد پرخطر و مخرب، باعث برانگیخته شدن بیشتر مقاومت و بحرانی شدن وضع بیگانه در منطقه شده است و فرصت‌های فراوانی را از آنان برای زیست عادی و عرفی سلب کرده است.

روایتگری نوعی بسترسازی برای جریان بخشی به اراده دیگران است؛ نوعی تعریف زمین و منطق بازی پس از این. پس روایت بسیار مهم است. راوی واقعیت را رصد می‌کند و سپس انتخاب می‌کند که کدام بخش از آن را برآورد و پدیدار کند و کدام بخش را پنهان کند. پس پدیده‌ها بسیار پراهمیت‌اند. گاهی پدیده، تصویری ساده‌انگارانه از کل صحنه به ما می‌دهد و گاهی نماینده شایسته ساده‌سازی شده از تمام ماجراست. گاهی پرداختن به پدیده آگاهی‌بخش است و گاهی درست ضدآگاهی است. از همین رو رفتارهای رسانه‌ای افراد، گروه‌ها، احزاب و جناح‌ها چه به صورت رسمی و متمرکز باشد و چه به صورت غیرهماهنگ و متکثر، مسؤولیت‌آور است. رسانه بازی حکمرانی است و افراد با برخورداری از رسانه و آزادی رفتار در آن، بخشی از حکمرانی و سهم قدرت را در اختیار دارند و باید پاسخگو کنکاش رسانه‌ای خود باشند. پدیده‌ها می‌توانند منطقی موافق یا مخالف متن واقعیت داشته باشند. آن قسمت از واقعه که برای ما پررنگ شده، می‌تواند ما را دچار انحراف در فهم واقعیت و خطای محاسباتی در طراحی واکنش کند. این در حالی است که وظیفه ذاتی روایت‌سازی، عمومی کردن آگاهی و تعمیم بیش عقلانی و تصمیم‌وجدانی و خودانگیخته و ایجاد وحدت کلمه در جامعه است. آگاهی درست به مردم فرصت

قصه داریم اندکی به شخصیت مقاومت نزدیک شویم تا به ما در فهم واقعیتی به نام مقاومت کمک کند. مقاومت عصری زنده و فعال است. یعنی گذشته‌های دارد که با کنونش ارتباط و پیوند هویتی دارد. بستر و زمینه‌های دارد که می‌توان در آن صفات و امکانات بالقوه‌اش را شناسایی کرد و اعطاف و رشد دارد و همچنین چشم‌انداز و آینده‌ای دارد که نقطه کمال اوست.

با همه این احوال تنها در زمانه و زمینه قابل توصیف نیست، بلکه در زمان و مکان حاضر متأثر از انتخاب و اختیار هوشمند و محاسبه‌گر ما است و در برابر دیگران واکنش متناسب دارد. عنصر حیات در منطقه مقاومت به او قدرتی درون‌زا و استحکامی بنیادین داده است؛

باور منطقه مقاومت به خداوند متعال از جنس باورهای تحریف شده و سلطه نیست، بلکه باوری توحیدی و ناب است که در تدارک صورت مساله‌های پیش روی مقاومت، کاملا نقش دارد. در منطقه مقاومت صحنه‌گردان خداست نه ابرقدرت‌های مادی. زمین بازی را نه شرق و غرب قدرت، که خداوند تبارک و تعالی تعریف می‌کند. سایر عناصر درون این بستر گسترده تلاش می‌کنند نقش بازی کنند. در این صورت حتی نظام سلطه و استکبار جهانی نیز میدان‌دار نیستند و تمام حیل‌ها و ترفندهای آنان واکنشی به طراحی خداوند است و در موقعیت انفعال قرار دارند. با این نگاه، مردم منطقه مقاومت در مسیر رشد و تعالی خود موانعی پیش رو دارند که مربوط به آزمون‌های الهی و کش‌وقوس‌های طبیعی تقویت انسان‌ها برای رهایی است تا بر اساس اراده خداوند وارثان زمین باشند. اما طرف مقابل اعتقادی به باورهای ما ندارد یا لاقال باور ندارد که ایس عامل به نفع ما در صحنه دخالت می‌کند.

مؤلفه دیگر در موضوع باور به خدا گسترده‌ی زمین و زمان و فرصت حیات است. منافق (نسبت به باورهای ما) کافر (نسبت به توانمندی‌های ما) زمین محدودی دارد که شامل جغرافیای سلطه و فضای غصب شده است و زمان محدودی که مرگ، دورترین مرزهای آن را تعیین می‌کند. کافر و منافق ناچار است تمام طرح‌های خود را درون این حصار تنگ بگنجانند. طبیعتا محدودیت، عوارضی ناخواسته در پی دارد؛ عجله و شتابزدگی و عصبانیت و دستپاچگی و کوتاه‌بینی و تحلیل‌ایزاری صرف که باعث می‌شود فرصت‌های زیادی از دید تحلیلگر و کارشناس خراج بماند و امکانات موجود در صحنه را آنچنان که هست شناسایی نکند و در راه‌حل خود نگنجانند. از سوی دیگر ناچار است به ابزارهای خود بیش از حد تکیه کند و برای مهار صحنه و حل مساله گاه بدترین پیشنهادها را پیش پای مجری تصمیم‌های میدانی قرار دهد و تمام اهداف راهبردی را فدای غافلگیری‌های میدانی کند.

اثر این شکل از محدودیت و عوارض مخرب آن در تصمیم‌سازی‌ها را می‌توانید در استفاده دیوانه‌وار غرب و رژیم صهیونیستی و همراهان‌شان از سلاح‌های کشتار جمعی و تخریب گسترده منطقه شاهد باشید. دشمن در منطقه نه زمین دارد و نه زمان. پایگاه‌ها و سفارتخانه‌ها و اماکن جاسوسی و ضدامنیتی و نفوذ در کاخ‌های سران حکومتی به آنان فرصت و امکانات کافی برای سلطه بر منطقه نمی‌دهد، زیرا این تنها ابزار و وسایل مادی نیست که تعیین می‌کند چه چیزهایی می‌توانی داشته باشی. پیشرفت‌های کمی و قدرت مادی بخشی از ماجراست. اگر توان تو در رگ‌های باور منطقه جاری

## روایت سازنده از منطقه مقاومت چیست؟

بینش و نگرش دچار اختلالات و اختلافات جدی و عمیق کند، آنچه را که امروز شاهد هستیم رقم زد؛ طرح و نقشه‌ای که برای تک‌تک مردمان منطقه در جریان است.

امروز دشمن سعی می‌کند محدودیت زمان و زمین و محرومیت زمانه‌ای و زمینه‌های خود را در فضای مجازی و رسانه جریان کند و با تخریب ذهن‌ها، بن‌بست‌های راهبردی را کنار برند و ما را وادار کند که جهان خود را به دست خود به فساد و تباهی بکشیم و ویرانه‌ای بی‌قدرت را در اختیار آنان قرار دهیم.

تحلیل درست و دقیق، مبتنی بر تبیین و ترسیم آگاهانه و خودمانی، می‌تواند روایت سازنده و پیش‌برنده را به ما دهد و مسیرهای برون‌رفت از وضع فعلی و جبران آن را نشان دهد؛ تحلیلی که نقش خواست و اراده خداوند در تربیت و هدایت خلق را انکار نکند، تحلیلی که مردم منطقه از اداره آن و برخورداری از منافع آن را انکار نکند، تحلیلی که راه مقاومت در برابر نظام سلطه را انکار نکند و تحلیلی که حق استقلال و آزادی مردم منطقه و سهم آنان از آینده قدرت در روی زمین را انکار نکند.

فرهنگ مقاومت در زمان و زمین خود و زمانه و زمینه متناسب با خود در حال رشد و توسعه و پیشرفت است. هیچ جنایتی توان نبود کردن آن را ندارد. هر تجاوزی، پاسخی سخت‌تر و پیچیده‌تر را به وجود خواهد آورد و بیگانه را طرد خواهد کرد و آن را به کرش و احترام و پذیرش شرایط مورد نظر خویش وادار خواهد کرد. مقاومت با حیات منطقه عین شده و دشمن ۲ راه بیشتر ندارد؛ یا منطقه را نابود کند یا تسلیم شود. حوادث اخیر نشان داده این منطقه تن به فساد و نابودی نخواهد داد و هرگز تسلیم نخواهد شد؛ یک پیک راه بیشتر پیش روی دشمن باقی نمی‌ماند؛ احترام به خواست مردم و عقب‌نشینی از سلطه بر منطقه.

حالا در این وضع که تصویر شد، آنچه جریان سلطه بر اثر جنایات طولانی‌مدت در سوریه به دست آورده، تنها یک گام موقت و متزلزل است. کشور سوریه و مردم سوریه مقاومتی ستودنی طی چندین دهه همسایگی با اسرائیل داشته‌اند. عملیات تضعیف مردم سوریه سابقه طولانی مدت

دارد. سرمایه‌گذاری بسیار سنگین غرب برای نابودی ملت سوریه و ایجاد و تشدید اختلاف و تفرقه بین انسان و تحریم‌های شدید اقتصادی و تخریب‌های گسترده سرزمینی و انواع طراحی‌های پیچیده و چندوجهی و چند لایه برای برکنار کردن سوریه‌ها از بستر تمدنی‌شان و به انزوا کشیدن آنان بین سایر اعراب و مسلمانان و شاید ویرانگرتر از همه عملیات روانی سنگین درازدامن که توانسته مردم سوریه را از جهت

